

سمیه خاتونی

گفت و گو

تعارض فیلمی به کارگردانی و نویسندگی محمدرضا لطفی و تهیه‌کنندگی سیدامیر سیدزاده محصول سال ۱۳۹۸ است که در آن رضا بهبودی و سودابه بیضایی نقش پرده‌اند. این فیلم که با همکاری ایران و کشور چک ساخته شده در بخش نگاه‌نو و سی و هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر نیز حضور داشت و هم اکنون در سراسر سینماهای کشور بر روی پرده سینماهاست. این فیلم در پانزده جشنواره خارجی شرکت کرده و در پنج قاره دنیا نمایش داده شده است و دارای فرم خاصی است که برای اولین بار در سینمای ما بینیم. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا را با کارگردان و بازیگران این فیلم می‌خوانید.

### محمدرضا لطفی:

### سینمای یک قانون دارد و آن هم بی‌قانونی است

از سال ۱۳۹۸ که فیلم «تعارض» کار شد، با توجه به تحسینی که از سوی فرزند موتمن خواندم و آن را یک فیلم سبک دار و دارای مولفه‌های خاص شمرده بودند، مشتاق بودم که اثر را ببینم اما وقفه‌ای طولانی در اکران آن افتاد، دلیل این وقفه طولانی چه بود؟

بله، حدود پنج سال (۱۳۹۸-۱۴۰۳) وقفه داشتیم، فیلم پس از حضور در جشنواره ۳۸ فجر، با پدیده جهانی کرونا مواجه شد و حدود یکسال و نیم تعطیلی سینماها در کل جهان. از نیمه دوم سال ۱۴۰۰، جشنواره‌های خارجی فعالیت‌شان شروع شد و فیلم «تعارض» حدود یکسال تور شرکت در جشنواره‌های خارجی را داشت و به دلیل اینکه یکی از شروط شرکت در اکثر جشنواره‌های خارجی این است که اثر در کشور مبدأ اکران نشده باشد، فیلم اکران نشد. سپس در پاییز ۱۴۰۱ قصد اکران فیلم را داشتیم که با اتفاقات سیاسی و اجتماعی آن سالها روبرو شدیم و تا اینکه پاییز ۱۴۰۲ برای اکران فیلم اقدام جدی صورت گرفت، عملاً فیلم تنها یکسال در نوبت اکران بود و در پاییز ۱۴۰۳ اکران شد.

### آیا این وقفه باعث نشد که جان‌مایه کلامی فیلم بر اثر گذشت زمان از بین برود؟

خیر، چون فیلم هم در فرم و هم محتوا دست‌گذاشته روی تنهایی انسان، مشکلات روحی-روانی و دایره ارتباطی که هر روز کوچکتر و سردتر می‌شود، موضوعاتی که با پیشرفت تکنولوژی هر روز بیشتر حس می‌شود و اتفاقاً مضمون فیلم در این زمانه که تعارضات روحی بیشتری را شاهد هستیم، تاثیرگذارتر است.

### برای خودتان به عنوان کارگردان چطور؟ آیا تجربه‌های تکنیکی و فرمی که در اثر داشتید هنوز برای تان بکر است و اگر قرار بود حالا فیلم را بسازید به همین شکل می‌ساختید؟

خیر، شاید این مسئله درباره فیلم «روایت ناپدید شدن مریم» که اولین فیلم من بود، صدق کند و اگر به آن رجوع می‌کردم، برخی از قسمت‌ها را تغییر می‌دادم. اما درباره «تعارض» اینگونه نیست تعارض را کاملترین فیلم خود می‌دانم و معتقدم که هر چند سال دیگر هم بگذرد آن را به همین شکل می‌ساختم. به این دلیل که «تعارض» خیلی به ذهنیت و درون من نزدیک است و حتی در بخش‌هایی موفق شده جلوتر از من حرکت کند. در ضمن معتقدم هر مکاشفه در هر برهه زمانی برگرفته از اتمسفرهای موجود در فضای زیسته است، بنابراین اگر در لحظه حضور داشته باشیم تصمیم‌مان درست است و این رویکرد اشتباهی است که با گذشت زمان دوباره به عقب برگردیم و ببینیم که با تجربه امروز آن اثر را می‌ساختیم یا خیر! چون اثر محصول تفکر و تجربه در زمان خودش است و نیازی نیست که خود را به دلیل مکاشفه‌ای که در گذشته داشتیم محاکمه کنیم. این مسئله می‌تواند درباره مسائل فنی فیلم صدق کند، اینکه اگر فیلم را حالا می‌ساختم شاید امکانات فنی بهتری را لحاظ می‌کردم. خوشبختانه برای من در هر دو فیلم هیچ تصمیمی از سر ناچاری نبوده، همه تصمیمات قلبی بوده و من به تصمیماتی که برگرفته از تجربه زیسته من در لحظه است احترام می‌گذارم.

### اثر شما ساختار شکن است و از مولفه‌های رایج در سینما بهره نمی‌گیرد، در این میان شما این فیلم را یک اثر تجربی قلمداد می‌کنید یا یک اثر هنری که می‌تواند در مقابل سینمای کلاسیک قد علم کند؟

در همه دنیا گونه‌های از سینما با نام‌هایی چون سینمای اکسپریمنتال، ضد جریان و آلترناتیو شناخته شده‌اند که اصلاً به معنای ناکامل بودن نیست. اتفاقاً این سینما از بقیه آثار کامل‌تر است چون وارد یک جریان بکر می‌شود و دست به تجربه‌گرایی و مکاشفه می‌زند که در ادامه همان سینمای رایج مولفه‌های خود را وامدار از این گونه سینمایی

## گفت‌وگوی روزنامه صبا با عوامل فیلم سینمایی تعارض

# تعارض؛ داستان رنج و تنهایی



متضادی که همزمان با هم پیش می‌روند در حالی که در هر دو روایت از یک کاراکتر زن استفاده شده است همچنین محسن که در یک داستان برادر زنش و در داستان دیگر رقیب عشقی رضا است. اینها همه کدهایی است که داستان از همان آغاز به ما می‌دهد تا بفهمیم با یک گره‌گشایی رئال روبرو نخواهیم بود و ذهن مخاطب را برای پذیرش اینکه درون یک فضای ذهنی نامنجم از یک نویسنده است آماده می‌کند. کدهایی که مخاطب را با چند روایت لایه‌ای و تودرتو به کشف به دنیای تنیده ذهنی شخصیت روانه می‌کند. به همین دلیل در طول فیلم هیچ قطعیتی وجود ندارد. مثلاً مادری که در صحنه قبل فوت شده، در صحنه تولد پسر نشان می‌دهد. استفاده از این عناصر جابه‌جا شونده را در آثار دیوید لینچ هم دیده‌ایم. در فیلم «بزرگراه گمشده» لینچ از دو کاراکتر متفاوت برای یک شخصیت استفاده می‌کند و یاد «جاده مالپالند» سه روایت طوری درون هم پیش می‌روند که هم با یکدیگر در ارتباط هستند و هم نیستند. مخاطب با این کدها درمی‌یابد با یک داستان سر راست طرف نیست و در فضایی رمزآلود است که باید آن را کشف کند.

در سینمای هنری مخاطب بدون آنکه برایش نتیجه مهم باشد، با کاراکتر در لحظه و موقعیت فرو می‌رود، مولفه کشف در روایت‌های پازلی و تعلیق در سینمای کلاسیک کاربردی می‌شود، فیلم «تعارض» ملغمه‌ای از همه اینهاست، یعنی هم به دلیل شخصیت پردازی رضا فارغ از اینکه چه خواهد شد اگر! با کاراکتر هم داستان می‌شویم و هم به دلیل چند روایت متضاد به دنبال کشف روایت در پس و پیش کردن زمان هستیم و هم برای پی بردن به راز زن خیانتکار تعلیق ایجاد شده است، با این وصف شما می‌خواستید کدامیک از این مولفه‌ها در تاثیرگذاری بر روی مخاطب غلبه پیدا کند؟

این مسئله کاملاً سلیقه‌ای است و برای من اساساً جذابیت سینما در این است که یک قانون دارد و آن هم بی‌قانونی است. هر کاری در سینما جایز است و این فرمول جذابیت و هیجان‌انگیز شدن هنر سینماست. سینماگر کار خودش را می‌کند و این به مزاج برخی خوش می‌آید و به مزاج برخی نه! در مراسم اکران خصوصی دوست منتقدی را دیدم که مطمئن بودم فیلم من در سبک و سلیقه او نیست اما در کمال تعجب فیلم را دوست داشت و گفت به شدت با کاراکتر اصلی فیلم همراه شده است. بنابراین هر فیلمی که قرار است به مثابه تفکر مخاطب را درگیر

رقم می‌زند. به همین دلیل است که یک ابر کمپانی مانند سونی پیکچر این گونه از بیان سینمایی را در ساخت اثر جدی می‌گیرد و فیلمهای آلترناتیو و اکسپریمنتال تولید می‌کند و به صورت موازی ساخت آثار کلاسیک رانیز دارد.

### ایده مرکزی این فیلم تاثیر دوربین مدار بسته که نگاه از بیرون به درون است که در همه لایه‌های فیلم جریان داشت، این ایده چگونه شکل گرفت؟

یک مقاله‌نویس آمریکایی نوشته بود هر شهروند آمریکایی زمانی که از خانه‌اش خارج می‌شود و تا شب که به خانه بازمی‌گردد، تصویرش توسط ۶۸ دوربین ضبط می‌شود. این ایده برای من خیلی جالب بود و در عین جذابیت همزمان ترسناک هم بود و در ذهنم ته‌نشین شد. در ابتدا تصمیم‌ام بر این بود که فیلمی بر اساس دوربین‌های مدار بسته بسازم که وارد این فضا شدم که با فلسفه، مباحث روانشناختی و شخصیت‌گره خورد و به انسانی حبس شده در ذهن بدل شد که با دوربین مدار بسته مشاهده‌گر خودش است.

### نقطه عطف اول فیلم «تعارض» یک زن خیانت کار است که در گره‌گشایی، آن را به مثابه اینکه توهم مرد است تطهیر می‌کنید! اتخاذ این رویکرد به دلیل ممیزی در سینمای ایران است و یا انتخاب خودتان بود؟

خیانت زن، توهم مرد است و انتخابی است که من برای شخصیت در اثر فارغ از ممیزی‌ها گرفته بودم. یعنی اگر من این فیلم را در آمریکا یا هر کشور دیگری هم می‌ساختم همین گونه بود. مسئله فیلم تله‌های ذهنی و کنکاش‌های شخصی یک فرد با خودش است و به دنبال متهم و یا مبری کردن کسی خارج از شخصیت نیست. «تعارض» در مسئله خیانت یک جور رو دستی به مخاطب می‌زند و بیانگر این است که همه اینها حاصل توهم و تشویش‌های ذهنی مرد است.

### با این وصف فکر می‌کنم بهتر بود برای این منظور تعلیق اثر را بر پایه پرده برداشتن از راز زن نمی‌گذاشتید و برای گره‌گشایی به مخاطب کدهایی را می‌دادید که سر چشمه در آشفته‌گی‌های رضا تمدن داشته باشد...

صددرصد در طول اثر این کدها وجود دارد، یکی از آنها سیاه و سفید و کنتراستی بودن فضا است و یا نزدیک بودن شکل اداره پلیس با جلست روانشناسی، نوع حرف زدن رضا با روانشناس و پلیس و دو روایت